

## فهرست مجموعه های تجزیه و ترکیب قرآن در ( ۱۲۰ ) جلد "مشمّل بر ۲۰ مجموعه

مجموعه ۱۰ جلدی	۱ ← ۱۰ جلد	سوره های فاتحه کتاب والبقرة	۱
مجموعه پنج جلدی	" ۱۱ ← ۱۵ "	سورة آل عمران	۲
مجموعه شش جلدی	" ۱۶ ← ۲۱ "	سورة التين	۳
مجموعه چهار جلدی	" ۲۲ ← ۲۵ "	سورة المائدة	۴
مجموعه پنج جلدی	" ۲۶ ← ۳۰ "	سورة الانعام	۵
مجموعه پنج جلدی	" ۳۱ ← ۳۵ "	سورة الاعراف	۶
مجموعه شش جلدی	" ۳۶ ← ۴۱ "	سوره های الانفال ، التوبة	۷
مجموعه شش جلدی	" ۴۲ ← ۴۷ "	سوره های یونس ، هود	۸
مجموعه پنج جلدی	" ۴۸ ← ۵۲ "	سوره های یوسف ، الزعد ، ابراهيم	۹
مجموعه شش جلدی	" ۵۳ ← ۵۸ "	سوره های الحجر ، النحل ، الإسراء	۱۰
مجموعه شش جلدی	" ۵۹ ← ۶۴ "	سوره های الكهف ، مريم ، طه	۱۱
مجموعه شش جلدی	" ۶۵ ← ۷۰ "	سوره های الانبياء ، الحج ، المؤمنون	۱۲
مجموعه پنج جلدی	" ۷۱ ← ۷۵ "	سوره های النور ، الفرقان ، الشعراء	۱۳
مجموعه هفت جلدی	" ۷۶ ← ۸۲ "	سوره های النمل ، القصص ، العنكبوت ، الزوم	۱۴
مجموعه شش جلدی	" ۸۳ ← ۸۸ "	سوره های لقمان ، السجده ، الاحزاب ، سبا ، فاطر	۱۵
مجموعه هفت جلدی	" ۸۹ ← ۹۵ "	سوره های يس ، الصافات ، ص ، الزمر ، غافر	۱۶
مجموعه هفت جلدی	" ۹۶ ← ۱۰۲ "	سوره های فصلت ، الشورى ، الزخرف ، الذخان ، الجاثية ، الاحقاف ، محمد ، الفتح	۱۷
مجموعه شش جلدی	" ۱۰۳ ← ۱۰۸ "	سوره های الفتح ، الحجرات ، ق ، الذاريات ، الطور ، النجم ، القمر ، الرحمن ، الواقعة ، الحديد . ( ۱۰ سوره )	۱۸
مجموعه شش جلدی	" ۱۰۹ ← ۱۱۴ "	سوره های المجادلة ، الحشر ، الممتحنة ، الصف ، الجمعة ، المنافقون ، التغابن ، الطلاق ، التحريم ، الملك ، القلم ، الحاقة ، المعارج ، نوح . ( ۱۴ سوره )	۱۹
مجموعه شش جلدی	۱۱۵ ← ۱۲۰ "	سوره های الجن ، المزمل ، المدثر ، القيامة ، الانسان ، المرسلات ، النبأ ، النازعات ، عبس ، التكويد ، الانفطار ، المطففين ، الانشقاق ، البروج ، الطارق ، الأعلى ، الغاشية ، الفجر ، البلد ، الشمس ، الليل ، الضحى ، الشرح ، التين ، العلق ، القدر ، البينة ، الزلزلة ، الغاديات ، القارعة ، التكاثر ، العصر ، الهزلة ، الفيل ، قريش ، الماعون ، الكوثر ، الكافرون ، النصر ، المسد ، الاخلاص ، الفلق ، الناس . ( ۴۳ سوره )	۲۰

هر حزب قرآن یک جلد . ( جمعاً ۱۲۰ یکصد و بیست جلد ) که مشتمل بر بیست مجموعه به شرح فوق میباشد .

**نکات بارز در باره این کتاب :** این مجموعه " تجزیه و ترکیب قرآن کریم " کتابی است آموزشی ، نقش بسیار مهمی در تثبیت و برجای ماندن قواعد و مباحث صرف و نحو عربی را در ذهن محصل خواهد داشت . آموخته های نظری محصل را بصورت جذی و منظم در حقیقت نگرشی دوباره اما کاربردی و عملی بر روی قواعد صرف و نحو در بر دارد . روزنه ای است به وادی گسترده پهناور واژه های قرآن و مفاهیم مفردات وحی ، گامی است در جهت تحقق فهم و آشنایی بیشتر و بهترین راه برای مراجعه مجدد خزینه معلومات و یاد آوری دوباره آنهاست ، موجب افزایش سطح علمی کلاس ، ایجاد روحیه اعتماد بنفس ، فزونی مهارت نطق علمی و تشویق برای فعالیتهای پژوهشی دیگر خواهد بود و نیز مقدمه ای جهت ورود به تفسیر ترتیبی قرآن می باشد .

" تجزیه و ترکیب قرآن " در دوسری : تک جلدی و مجموعه

بقلم فاطمه ناظم زمردی

## علامت اختصاری کتاب

### ۱- در اعراب فعل:

(۰۰۰) علامت حرکات و حروف ظاهر

[۰۰۰] علامت حذف یا تقدیر

فعل مضارع مرفوع به ثبوت نون	ف ا ب (ـ)	فعل امر مبنی بر سکون ظاهر	ف ا ب (ـ)
فعل مضارع مرفوع به ثبوت نون محذوفه	ف ا ب [ـ]	فعل امر مبنی بر فتحه ظاهر	ف ا ب [ـ]
فعل مضارع منصوب به فتحه ی ظاهر	ف ا ب [ن]	فعل امر مبنی بر حذف نون	ف ا ب [ن]
فعل مضارع منصوب به فتحه ی مقدر	ف ا ب [و]	فعل امر مبنی بر حذف حرف عله "و"	ف ا ب [و]
فعل مضارع منصوب بر حذف نون	ف ا ب [ی]	فعل امر مبنی بر حذف حرف عله "ی"	ف ا ب [ی]
فعل مضارع مجزوم بر سکون ظاهر	فعل [م]	فعل مقدر یا محذوف	فعل [م]
فعل مضارع مجزوم بر سکون محذوف	ف م ب (ـ)	فعل ماضی مبنی بر فتحه ی ظاهر	ف م ب (ـ)
فعل مضارع مجزوم بر حذف نون	ف م ب [ـ]	فعل ماضی مبنی بر فتحه ی مقدر	ف م ب [ـ]
فعل مضارع مجزوم بر حذف حرف عله "و"	ف م ب (ـ)	فعل ماضی مبنی بر ضمه ظاهر	ف م ب (ـ)
فعل مضارع مجزوم بر حذف حرف عله "ی"	ف م ب (ـ)	فعل ماضی مبنی بر سکون	ف م ب (ـ)
فعل مضارع مبنی بر فتحه ظاهر	ف ا ض ر (ـ)	فعل مضارع مرفوع به ضمه ظاهر	ف ا ض ر (ـ)
فعل مضارع مبنی بر سکون ظاهر	ف ا ض ر [ـ]	فعل مضارع مرفوع به ضمه مقدر	ف ا ض ر [ـ]

### ۲- در اعراب اسم و حرف:

[۰۰۰] علامت حذف و تقدیر

(۰۰۰) علامت اتصال به ضمیر یا حرف

واو محذوف در محل رفع نایب فاعل	ن. فاعل [و]	"تاء" ضمیر متصل در محل رفع فاعل	(ت) فاعل
مفعول به منصوب یا در محل نصب	م. به	ضمیر مستتر هو در محل رفع فاعل	فاعل [هو]
باء محذوفه در محل نصب مفعول به	م. به [ی]	واو محذوفه در محل رفع فاعل	فاعل [و]
مفعول مطلق	م. مطلق	فاعل محذوف	فاعل [م]
مفعول لاجله منصوب	م. لاجله	فاعل مرفوع یا در محل رفع	فاعل
ظرف منصوب یا در محل نصب مفعول به	م. فیه	نایب فاعل مرفوع یا در محل رفع	ن. فاعل
مضاف الیه مجرور یا در محل جر	مضافاً	ضمیر مستتر هو در محل رفع نایب فاعل	ن. فاعل [هو]
حرف جر	ح. جر	حرف شرط	ح. شرط
همزه استفهام	(ا) استفهام	حرف تحقیق	ح. تحقیق
الواو حرف زائد برای اشباع میم	(و)	کافه و مکفوفه	ح. مکفوف

بِسْمِ اللَّهِ		الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ		(۱)	
جارو مجرور	مضاف ا	فعل	فاعل	نعت	نعت
	ا	ا	ا		

## سوره فاتحه آیه ۱

۱- **أَبْتَدِءُ** : فعل مضارع محذوف و یا مقدر (چون مقام ، مقام ابتدا کردن و آغاز کردن است لذا یک فعلی بوده "أَبْتَدِءُ بِسْمِ اللَّهِ" یعنی آغاز میکنم یا کمک میجویم به نام خدا ..) البته برای آن دسته از عزیزانی که طالب مطالب بیشتری هستند یک ترکیب دیگر هم اینجا هست که به طور گذرا عرض کنم که اینجا "بِسْمِ اللَّهِ" جار و مجرور و متعلق به کائن مقدر است که آن کائن از افعال عموم هست ، خیر برای ابتدای محذوف ماست . تقدیرش هم این بوده ، ابتدائی کائن بِسْمِ اللَّهِ ... یعنی آغاز کردن من با نام خدا، در معنا تغییر اساسی ایجاد نمیشود .  
 • بِسْمِ اللَّهِ - مضاف و مضاف الیه . الرَّحْمَنُ - بدلَ اللَّهِ و الرَّحِيمُ - صفت برای الرَّحْمَنُ یا هر دو صفت برای اللَّهِ ... ] ، فاعل محذوف .

## فواعلها

۱- **إِسْمٌ** : غیر مصدر ، جامد، مفرد، مذکر، معرفه با اضافه • مجرور به حرف جر متعلق به محذوف خبر • و مبتداء محذوف تقدیرش "ابتدائی" • (جایز است که متعلق به فعل محذوف باشد یعنی "أَبْتَدِءُ")  
 \*\*\* (برخی گفته اند اصل اسم "سَمُو" بوده بمعنای غُلُو و رفعت ، بعد واو حذف شده و همزه وصلی در ابتدای آن قرار گرفته . یک گروه دیگر معتقدند اصل اسم - وَسَمٌ بوده به معنای علامت و نشانه ) اصل آن هم سمو (حرف عله "واو" حذف و قلب به همزه وصل شد -> إِسْمٌ : همزه اسم همزه وصل است و طبق قاعده ، همزه وصل در وسط کلام قرار بگیرد نوشته میشود ولی خوانده نمیشود و اغلب فرموده اند به دلیل کثرت استعمال و کاربرد زیادش لذا نوشته هم نمیشود) .  
 ۲- **اللَّهِ** : غیر مصدر ، جامد ، مفرد ، مذکر ، معرفه به عَلَم • مضاف الیه مجرور .  
 [اصل آن آل اله بوده که همزه دوم آن در اکثر استعمال حذف شده است ( از ریشه آله یا وَّله گرفته شده )] •

## اسمهای معرب

۳- **الرَّحْمَنُ** : غیر مصدر ، مشتق (صیغه مبالغه) ، مفرد ، مذکر ، معرفه به ال • صفت اول برای اللَّهِ •  
 ۴- **الرَّحِيمُ** : غیر مصدر ، مشتق (صفت مشبهه یا صیغه مبالغه) ، مفرد ، مذکر ، معرفه به ال • صفت برای اللَّهِ •

حروف

۱- **بِ** : حرف جر ، عامل ، جرمیدهد ، مختص اسم ، مبنی بر کسر • (برای مصاحبت یا استعانت) •  
 ۲- **اَلْ** : حرف تعریف ، غیر عامل ، مختص به اسم ، مبنی بر سکون • (دو مورد) •  
 ۳- **اَلْ** : در "اللَّهِ" زائده لازمه ، غیر عامل ، مختص اسم ، مبنی بر سکون •

ترجمه: به نام خداوند یکه بی اندازه بخشنده بسیار مهربان است ...

## تجزیه و ترکیب قرآن

### سوره الفاتحه

(۳) مَالِكِ	يَوْمِ	الَّذِينَ (۴)	إِيَّاكَ	نَعْبُدُ
تعت	مضاف ا	مضاف ا	م به مقدم	فاعل (نحن)

### سوره فاتحه آیه ۴ و ۵

۱- نَعْبُدُ : فعل مضارع مرفوع (علامت رفعش ضمه ظاهر) ، متکلم مع الغیر ، ثلاثی مجرد (اصول) ع-ب-د ، صحیح و سالم ، متعدی ، معلوم . ضمیر مستتر "نحن" در محل رفع فاعل . (جمله : "إِيَّاكَ نَعْبُدُ" محلی از اعراب ندارد چون استثنایه است) .

} فعلها

۱- مَالِكِ : غیر مصدر ، مشتق (اسم فاعل) ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه . صفت برای الله و مثل آن مجرور .

۲- يَوْمِ : ظرف متصرف ، غیر مصدر ، جامد ، مفرد ، مذکر ، معرفه به اضافه . مضاف الیه و مجرور .

۳- الَّذِينَ : مصدر ، جامد ، مفرد ، مذکر ، معرفه به ال . مضاف الیه و مجرور و علامت جرش کسره است .

} اسمهای معرب

۱- إِيَّاكَ : ضمیر منفصل منصوبی ، مفرد مذکر حاضر ، مبنی بر فتح . در محل نصب مفعول به مقدم یا (ایا) ضمیر مبنی در محل نصب مفعول به .

۲- نَحْنُ : ضمیر مستتر مرفوعی ، متکلم مع الغیر ، مبنی بر ضم . در محل رفع فاعل .

} اسمهای مبنی

۱- ال : حرف تعریف ، غیر عامل ، مختص به اسم ، مبنی بر سکون .

۲- ک : حرف خطاب ، غیر عامل ، مختص به اسم ، مبنی بر فتح .

} حروف

\*\*\* : [میتوان گفت : (ایا) ضمیر منفصل منصوبی ، مفرد ، مذکر ، مبنی بر سکون . در محل نصب مفعول به . (ک) حرف خطاب . مالک اسم فاعل برای "ملک" به معنی صفت مشبیه برای دوام ملکیت باب ضرب بر وزن "فاعل" است] .

} توضیح

ترجمه: مالک و دارای روز جزاست (۴) تنها تورا می پرستیم .

## تجزیه و ترکیب قرآن

### سورة الفاتحه

وَ	إِيَّاكَ	تَسْتَعِينُ	(۵)	إِهْدِنَا
(و)	مابه مقدم	فاعل فاعل (نحن)		ف ا ب ی
عطف				فاعل (نت)

### سورة فاتحه آیه ۵ و ۶

۱- تَسْتَعِينُ : فعل مضارع مرفوع (علامت رفعش ضمه ظاهر) ، متکلم مع الغیر ، ثلاثی مزید (باب استفعال) ، ع- و- ن ، معتل (اجوف واوی) ، متعدی ، معلوم ، ضمیر مستتر "نحن" در محل رفع فاعل ، جمله "إِيَّاكَ تَسْتَعِينُ" محلی از اعراب ندارد چون معطوف بر جمله "إِيَّاكَ تُعْبَدُ" می باشد .  
[اصل نستعین -> عَوْنٌ بوده -> نَسْتَعُونَ کسره بر "واو" ثقیل است به حرف ما قبل داده واو ساکن ماقبل مکسور قلب به یاء میشود ، (اعلال قلب صورت میگیرد)] .

۲- إِهْدِ : فعل امر مبنی بر حذف حرف عله ، مفرد مذکر مخاطب ، ثلاثی مجرد (اصول) ، ه- د- ی ، معتل (ناقص یائی) ، متعدی ، معلوم ، "انت" ضمیر مستتر "وجوباً" در محل رفع فاعل ، (اصل آن در مضارع "تهدی" ) .

۱- إِيَّاكَ : ضمیر منفصل منصوبی ، مفرد مذکر مخاطب ، مبنی بر فتح ، در محل نصب مفعول به مقدم .

۲- نَحْنُ : ضمیر مستتر مرفوعی ، متکلم مع الغیر ، مبنی بر ضم ، در محل رفع فاعل .

۳- أَنْتَ : ضمیر مستتر مرفوعی ، مفرد مذکر مخاطب ، مبنی بر فتح ، در محل رفع فاعل .

۴- نَا : ضمیر متصل بارز منصوبی ، متکلم مع الغیر ، مبنی بر سکون ، در محل نصب مفعول به اول .

۱- وَ : حرف عطف ، غیر عامل ، مشترک ، مبنی بر فتح .

۲- كَ : حرف خطاب ، غیر عامل ، مختص به اسم ، مبنی بر فتح .

ترجمه: ..... و تنها از تو یاری می خواهیم (۵) ما را راهنمایی فرما.....

## الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ (٦) صِرَاطِ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

مربطه ثان	نعت	بدل	مضافاً	فعل ماضی (ت)	فعل (ت)	مجرور
-----------	-----	-----	--------	-----------------	------------	-------

## سورة الفاتحه آیه ٦ و ٧

١- أَنْعَمْتَ : فعل ماضی مبنی بر سکون، مفرد مذکر مخاطب، ثلاثی مزید (باب افعال)، ن - ع - م، صحیح و سالم، متعدی، معلوم. ضمیر متصل "ت" در محل رفع فاعل. جمله "أَنْعَمْتُ عَلَيْهِمْ" محلی از اعراب ندارد چون صله موصول است.

فعلها

١- الصِّرَاطِ : غیر مصدر، جامد، مفرد، مذکر، معرفه به ال - مفعول به دوم، منصوب و علامت نصبش فتحه ظاهر است.

٢- الْمُسْتَقِيمِ : غیر مصدر، مشتق (اسم فاعل)، مفرد، مذکر، معرفه به ال - صفت برای الصِّرَاطِ و مثل آن منصوب و علامت نصب فتحه. [در آن اعلال صورت گرفته و اصل آن "مُسْتَقِيمٌ" بوده حرف عله "واو" ماقبل مکسور قلب به یاء شده و فعل مجردش "قام - يَقُومُ" بوده است].

اسمهای معرب

٣- صِرَاطِ : غیر مصدر، جامد، مفرد، مذکر، معرفه به اضافه - بدل از صراط اول و مثل آن منصوب و علامت نصبش فتحه است، (تابع و بدلی از الصراط در آیه قبلیش هست، صراط در اینجا مضاف قرار گرفته و اَلَّذِينَ مضاف الیه آن میباشد) [کل مضاف الیه مجرور] و چون "الَّذِينَ" موصول و مبنی است اعرابش محلی است.

١- الَّذِينَ : اسم موصول خاص، جمع مذکر، مبنی بر فتح - در محل جر مضاف الیه.

٢- تَ : ضمیر متصل بارز مرفوعی، مفرد مذکر مخاطب، مبنی بر فتح - در محل رفع فاعل.

٣- هُمْ : ضمیر متصل بارز مجروری، جمع مذکر غایب، مبنی بر سکون - محلاً مجرور به حرف جر متعلق به "انعمت" [یا میتوانیم بگوئیم (هاء) ضمیر متصل مبنی بر کسر در محل جر متعلق به "انعمت" و (میم) حرف برای جمع مذکر].

٤- اَلْ : موصول (ال اسمیه)، غیر عامل، مختص اسم فاعل و اسم مفعول، مبنی بر سکون.

اسمهای مبنی

١- اَلْ : حرف تعریف، غیر عامل، مختص به اسم، مبنی بر سکون.

٢- اَلْ : (در اَلَّذِينَ) زائده ی لازمه (چون موصولات خود معرفه هستند و نیاز به حرف تعریف ندارند)، غیر عامل، مختص به اسم، مبنی بر سکون.

٣- عَلِي : حرف جر، عامل، جر میدهد، مختص اسم، مبنی بر سکون.

حروف

ترجمه: ... به راه راست (٦) راه کسانی که نعمت بانها دادی ...

## عِزْرُ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ (۷)

بدل	مضافاً	جانو مجرور	(و) عطف	ح . نفی	مغطوف
-----	--------	---------------	------------	---------	-------

## سورة الفاتحه آیه ۷

- اسمهای معرب**
- ۱- عِزْرُ : غیر مصدر ، جامد ، مفرد ، مذکر ، معرفه باضافه . - بدل از اسم موصول الذین و تبعیت میکند در اعراب جر از آن . ( یا بدل از ضمیردر علیهم . یا نعت برای اسم موصول ، در هر حال مجرور میباشد و جایز است با فعل مؤنث هم بکار برده شود) . \*\* [در تقسیم بندی ابواب اسمها مرفوعات و منصوبات و مجرورات داریم - یعنی اسمهاییکه مرفوع هستند - اسمهاییکه منصوب هستند - و اسمهاییکه مجرور هستند . یک سری اسمهایی داریم که اینها هم میتوانند مرفوع و هم منصوب و هم مجرور باشند ، خودشان اعراب ندارند باینها میگویند توابع - اینها تابع یک متبوعی هستند . ( صفت ، عطف بیان ، عطف نسق ، تأکید و بدل از جمله ی توابع هستند ) و در اعراب تبعیت از متبوع خود میکنند ] .
- ۲- الْمَغْضُوبِ : غیر مصدر ، مشتق ( اسم مفعول ) ، مفرد مذکر سالم ، مذکر ، معرفه به ال . - مضافاً الیه و مجرور .
- ۳- الضَّالِّينَ : غیر مصدر ، مشتق ( اسم فاعل ) ، جمع مذکر سالم ، مذکر ، معرفه به ال . - معطوف بر غیر و مثل آن مجرور است . علامت جرش یاء است چون جمع مذکر است .
- اسمهای مبنی**
- ۱- هُمْ : ضمیر متصل بارز مجروری ، جمع مذکر غایب ، مبنی بر سکون ( یا میگوئیم ) ( هاء ) ضمیر متصل مبنی بر کسر در محل جر و ( میم ) حرف برای جمع مذکر . - محلاً مجرور به حرف جر ( در محل رفع نایب فاعل برای " المغضوب " ) .
- ۲- اَلْ : موصول ( ال اسمیه ) ، غیر عامل ، مختص اسم فاعل و اسم مفعول ، مبنی بر سکون . ( دو مورد ) .
- حروف**
- ۱- علی : حرف جر ، عامل ، جر میدهد ، مختص به اسم ، مبنی بر سکون .
- ۲- وَ : حرف عطف ، غیر عامل ، مشترک ، مبنی بر فتح .
- ۳- لَا : زائده برای تأکید نفی ، غیر عامل ، مشترک ، مبنی بر سکون .

ترجمه : ... آنها کسانی نیستند که مورد غضب و خشم واقع شدند و نه کسانی که گمراهانند (۷) . . .